

عرفان و آموزه‌های ماندگار آن در قالب آراء، احوال و اقوال اهل معرفت و آنچه از تاریخ تطورش بر صفحه آثار ادبی نقش بسته، چنان گستره‌ای دارد که کاویدن در تمام جوانب آن برای اهل تحقیق امری پایان‌ناپذیر است. دست کم یک سده و نیم است که علاوه بر پژوهشگران همدل و همزمان این آثار، مستشرقان کنجکاو در این نوع از دانش و معارف نیز طی تحقیقات وسیعی گوشه و کنارهای عرفان ایرانی- اسلامی جهان شرق را پژوهیده و با مقابله و مقایسه معلومات آن با میراث فکری فرهنگ و تمدن خود، مشترکات معنوی بین‌الادیانی و بین‌الانسانی آن را آشکار ساخته‌اند. پاره‌ای از این تحقیقات ارزشمند به زبان‌های فارسی، عربی یا به هر دو زبان ترجمه شده‌اند، اما پاره‌ای دیگر که همچنان به زبان اصلی باقی مانده و عموم محققان از آن بی‌خبرند، نیازمند بررسی‌های نقادانه و تحلیل و تطبیق است تا غث و سمین آن نتایج و یافته‌ها به محک تحقیقات پژوهشگران تازه نفس زده شود. مجله «عرفان پژوهی در ادبیات» برای آن بخش از آثار (مقالات)ی که هنوز ترجمه نشده، مجال را فراهم کرده است تا با چاپ ترجمه‌های وزین آن‌ها روند تشریک مساعی در پژوهش‌های داخلی و خارجی را تسهیل کند. در باب آثار ترجمه شده نیز دریچه نقد و نظر و تطبیق برای همیشه باز است و پر فایده خواهد بود اگر محققان فاضل و توانمند ما در این راه طرحی نو دراندازند و جهدی بلیغ نمایند تا این درخت پر بار معرفت هر روز شکوفاتر، آبدارتر و تازه‌تر به حیات معنوی خویش ادامه دهد.

معارف عرفانی امروزه با دیگر دانش‌های علوم انسانی (دانش‌های علوم انسانی با هم) پیوند و نسبتی تنگاتنگ یافته است؛ به نحوی که پژوهیدن یکی بدون نظر و بهره‌گیری از دیگری چندان ارج‌مندی و بایستگی نمی‌یابد. وجود مبانی نظری متنوع در پیشانی تحقیقات ادبی و عرفانی خود گواه بر این پیوند مبارک است. در همین شماره از مجله «عرفان‌پژوهی در ادبیات» سنجش اندیشه‌های ابوسعید ابی‌الخیر با آرای ویکتور فرانکل روانپزشک معاصر و یا تحلیل عرفانی غزلی از مولانا براساس دیدگاه واتر ترنس استیس و یا خوانش تحلیلی داستان‌هایی از مثنوی با دیدگاه زیبایی‌شناسی نظریه‌دریافت یاوس و آیزر، بررسی تطبیقی مفهوم مُثُل در غزلیات شمس با اشعار جرارد منلی هاپکینز نشان می‌دهد که ظرفیت بررسی آثار عرفانی با مبانی نظری فلسفی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... زمینه‌هایی است که می‌تواند برای ذهن پژوهشگران امروز جولانگاه مناسبی باشد.

تحقیقاتی همچون تطبیق جایگاه عشق عرفانی در آرای صاحب مرصادالعباد با احمد غزالی، تطبیق آرای مولوی و ابن عربی در باب مراتب موسی، مقایسه طرح‌واره‌های حرکتی در حدیقه سنایی و تمهیدات عین‌القضات و بررسی سیر تحول عوامل سبب‌ساز حال قبض و بسط در آثار عطار و مولانا نیز گونه‌ای ارزشمند از تحقیقات تطبیقی در آثار عرفانی است. پژوهش‌هایی چون واکاوی رابطه شمس و مولانا در پرتوی مقالات شمس و بازشناسی تحلیلی شطحیات در دیوان عطار نیز هر کدام به زدودن ابهامات از مفاهیم و مسائل حوزه تحقیقی در عرفان و تصوف مدد می‌رساند. از همه نویسندگان دانشمند مقالات این شماره به سهم خود قدردانی می‌کنم و مزید توفیقاتشان را از حضرت باری خواهانم.

داود اسپرهم

سردبیر